

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره دهم ، شماره سی و پنجم ، بهار ۱۳۹۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۱۲

صفحات: ۵۳ - ۳۰

بازسازی معنایی جامعه اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب

روح الله روحانی*

چکیده

مقاله حاضر با استفاده از رویکرد برساختی و تفسیری و روش شناسی نظریه داده بنیاد به بازسازی معنایی جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری می پردازد دیدگاه تفسیری- برساختی انسان را به مثابه موجودی فعال، خلاق و معناساز تعریف می کند؛ اگر انسان موجودی باشد خلاق و معناساز، بنابراین واقعیات اجتماعی نظیر جامعه اسلامی همواره در حال ظهور هستند. جامعه اسلامی از مباحث مهم سیاسی - اجتماعی سخنان مقام معظم رهبری است. به رغم بحث ها و گفتگوهای فراوانی که در این زمینه میان نظریه پردازان دانشگاهی، مدیران و رهبران صورت رفته است اما هنوز این مفهوم و مصادیق آن در قالب یک الگوی علمی و مدل نظری(تحلیلی) بر اساس بیانات مقام معظم رهبری ارائه نشده است. حال آنکه حدود سه دهه از ظهور انقلاب اسلامی می گذرد. این مقاله به منظور پر کردن خلاء علمی در کشور و با الگو قرار دادن سخنان مقام معظم رهبری به بررسی اندیشه های آن شخصیت در زمینه جامعه اسلامی پرداخته است. مهمترین پرسش های تحقیق حاضر این خواهد بود که "چه مدل نظری جامعه اسلامی را از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین می کند؟" چه تغییراتی در ایران باید رخ دهد تا جامعه اسلامی شود؟ راهبرد های کنشی آن چیست؟ و پیامدهای این راهبردها چه خواهد بود؟ در این پژوهش بجای آزمون نظریه و تایید یا رد آن به ارایه نظریه به صورت محدود به واقعیت پرداخته می شود تا بر اساس آن، مدل نظریه (تحلیلی) در خصوص جامعه اسلامی به شیوه نظریه پردازی داده بنیاد ارائه گردد.

واژه های کلیدی: جامعه اسلامی، مقام معظم رهبری، نظام اسلامی، نظام انقلاب

هدف

تمدن اسلامی که در طول تاریخ، فراز و فرودهایی داشته و با بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان دوباره مورد توجه مسئولان قرار گرفته است، در سخنرانی های مقام معظم رهبری، جایگاه ویژه ای دارد. از این رو لازم است شاخصه های جامعه اسلامی در اندیشه معظم له مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نوشتار حاضر در پی پاسخ به نحوه موضع گیری رهبر معظم انقلاب درباره جامعه اسلامی و بیان شاخصه های آن است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش هایی که درباره تاریخ و تمدن انجام می شود، از نوع پژوهش های توصیفی - کیفی است که در پژوهش حاضر از روش توصیف داده ها و تحلیل تاریخی با استفاده از منابع و روش اسنادی و مراجعه به کتابخانه و اینترنت استفاده شده است. در پژوهش های تاریخی معمولاً از تجزیه و تحلیل آماری استفاده نمی شود. به همین دلیل در بررسی حاضر بیشتر از روش معمول و رایج در پژوهش های تاریخی یعنی تحلیل محتوا استفاده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(۱) انقلاب بیکران و غرب محاضر

یکی از ابعاد بسیار جذاب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که فراروی حقایق موجود و مسیر پیش رو به آینده ای پر از امید گواهی می دهد، سخن از ماندگاری ماهیت انقلاب و احتضار گفتمان ضد آن است. گویی سه دهه پس از پیش بینی تاریخی امام خمینی (ره)

مبنی بر شنیدن صدای شکسته شدن استخوان مارکسیسم اینک رهبر انقلاب با همان قاطعیت از نزدیکی احتضار لیبرالیسم خبر می‌دهد: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.

طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت ۴۰ جشن سالانه انقلاب و ۴۰ دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند.»

در مقابل، اما نهال انقلاب، اکنون به تنومندی رسیده است. آماده ثمر دادن است و اگر آفت زدایی شود همان شجره طیبه‌ای خواهد بود که اصلش ثابت و شاخ و برگش در آسمان است. مبانی و ارزش‌های انقلاب بسان ریشه‌هایی تنومند اکنون چنان خود را بر زمین گسترده‌اند که دیگر کسی را یارای ریشه‌کن نمودن آن نیست. نه خستگی و افسردگی می‌تواند نهال انقلاب را خموده کند و نه میوه‌های گرم خورده‌ای که خود اصرار دارند هرچه زودتر از درختی که اصل و ماهیتشان از آن است جدا شوند. تعبیر شیوای رهبر انقلاب در ابتدای این بیانیه مبنی بر «بدون تاریخ مصرف» بودن انقلاب اسلامی، تأکیدی بر همین موضوع است: «برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است. آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دلزده شوند. هرگاه دلزدگی پیش آمده، از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آنها.»

۲) بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری

فلسفه سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای، تاملاتی عقلانی است که ریشه در مبانی و بنیادهای معرفت دینی ایشان دارد که دو ویژگی بارز آن عبارتند از تلخیص از منابع دینی و سیره رسول الله (ص) و اهل بیت علیه السلام و دوم جنبه پاسخگوئی به مسائل عینی جامعه.

مقام معظم رهبری در بُعد فلسفی از جمله فیلسوفان غایت گرایی هستند که مفاهیمی همچون سعادت و کمال اخروی، حیات طیبه و هدایت، اساس فلسفه سیاسی ایشان را تشکیل می دهند. از نگاه معظم له هیچ مقوله ای اگر به موارد مذکور منتهی نشود اصالت ندارد و حتی مباحثی همچون عدالت خواهی و مبارزه با استکبار نیز در صورتی مورد تأیید هستند که در مسیر رسیدن به حیات طیبه و علی الله باشند.

مقام معظم رهبری در تعریف مفهوم سیاست معتقدند که تدبیر(سیاست) با وصف اسلامی صرفاً بر مدار حیات مادی و هدف و انگیزه‌های ظاهری در محدوده انتظار بشر و در عرصه رقابت برای تحصیل قدرت نیست، بلکه سخن از جلب رضایت خدا و ادای تکلیف، تحقق حیات طیبه، نیل به سعادت ابدی و رسیدن به کمال است.

ایشان در مورد اهمیت به کار بردن واژه‌ها و مفاهیم مناسب و جامع برای توضیح و تحلیل صحیح مسائل و تحولات می‌فرمایند: یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی واژه‌سازی بشود، هم بایستی نهادسازی بشود.

وقتی یک فکر جدید مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفته شود، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند.

بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای مفهومی جدید محسوب نمی گردد و ماحصل تحولات اخیر نمی باشد، معظم له پیش از این در سخنان خود بارها این

واژه را تکرار کرده اند. بیداری اسلامی به صورت موجز و مختصر در نگاه مقام معظم رهبری عبارت است از، ایجاد یک حالت برانگیختگی و آگاهی ای در امت اسلامی که به تحولات و دگرگونی های بیرونی منجر میشود.

در نگاه ایشان سخن از بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص و مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به معنای یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیامها و انقلابهای بزرگی را پدید آورده و مهره های خطرناکی از جبهه ی دشمن را ساقط کرده و از صحنه بیرون رانده است.

۳) دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی

در بیانیه رهبری به عنوان نظریه زنده و غیرقابل عدول مطرح شده است «نظام انقلابی» است. تعبیری نو که به اساس تمدن سازی در بستر اجتماع اسلامی اشاره می نماید. تاریخ قرون اخیر نشان داده است نهادسازی در بستر انقلاب ها، آن ها را فربه می کند و در بند بوروکراسی فرو می برد. رشد بوروکراسی انعطاف را کاسته و محافظه کاری را روحیه هژمون ساخته است. اما آنچه رهبر انقلاب در بیانیه دوم به عنوان مشخصه انقلاب اسلامی و تجربه ۴۰ ساله آن ذکر می کنند دقیقاً خلاف این است: «انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و بالاراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف های بی عمل می شمارد، اما به هیچ بهانه ای از ارزش هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می کند.» نظام انقلابی در نظرگاه رهبری مهم ترین مشخصه متمایزکننده انقلاب اسلامی از سایر انقلاب ها و علت اصلی از بین رفتن ماهیت آن پس از ۴۰ سال است. «انقلابی ماندن» نظام نظریه و قرائتی است که پویایی، انعطاف و تحرک را با خود به همراه آورده است و جزمیت را از جبین انقلاب می زداید.

۴) فرآیند پنج گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم

رهبری

رهبری انقلاب اسلامی در بیانات خود اشاره می کنند که «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است»؛ لذا رهبری فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی را در پنج مورد زیر می دانند: ۱. انقلاب اسلامی؛ ۲. تشکیل نظام اسلامی؛ ۳. تشکیل دولت اسلامی؛ ۴. تشکیل کشور اسلامی؛ ۵. تشکیل دنیای (امت، تمدن) اسلامی

فرآیند تحقق هدف های انقلاب اسلامی، یک «فرآیند» [۱] طولانی و البته دشواری است. مقام معظم رهبری نخستین بار فرآیند تحقق اهداف پنج گانه اسلامی را در جمع مسؤولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۷۹/۰۹/۲۱ مطرح کردند.

البته ایشان در ادامه نیز به طور مستمر و در مقاطع مختلف، ضرورت تحقق این اهداف را به مسئولین اجرایی کشور یادآوری کرده اند، از جمله: بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۷۹/۰۹/۱۲؛ بیانات در جمع کارگزاران نظام در تاریخ ۸۰/۰۹/۲۱؛ بیانات در دیدار مسؤولان نظام در تاریخ ۸۳/۰۸/۰۶؛ بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران در تاریخ ۸۴/۰۵/۲۵؛ بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت در تاریخ ۸۴/۰۶/۰۸؛ بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه در تاریخ ۹۰/۰۷/۲۴؛ بیانات در اجتماع مردم کنگاور در تاریخ ۹۰/۰۷/۲۷.

رهبری انقلاب اسلامی در بیانات فوق اشاره می کنند که «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است»؛ لذا رهبری فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی را در پنج مورد زیر می دانند:

۱. انقلاب اسلامی

۲. تشکیل نظام اسلامی

۳. تشکیل دولت اسلامی

۴. تشکیل کشور اسلامی

۵. تشکیل دنیای (امت، تمدن) اسلامی

۴-۱) ایجاد انقلاب اسلامی

گام اول این فرآیند که با ظهور انقلاب اسلامی تحقق پیدا کرد، «دگرگونی بنیادین یا همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی است که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌سازد» و به عبارت دیگر «بنای ضایع و پوسیده و بدبنیان رژیم استبدادی را از بین می‌برد و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند و پایه‌های غلطی برجیده و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود»، [۲] ایشان با تاکید بر اینکه انقلاب الزاماً همراه با زد و خورد و شلوغ کاری نیست، می‌فرمایند: «این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش‌های دشوار و بدون زورآزمایی، امکان‌پذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال این‌ها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آن‌جایی است که پایه‌های غلطی برجیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است». [۳]

به این ترتیب، با عنایت به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، گام اول تنها یک دگرگونی ساده مانند دیگر انقلاب‌های رخ داده در سایر کشورها نبوده، بلکه منظور از انقلاب اسلامی رخدادی است بنیادین که ضمن برچیدن رژیم فاسد طاغوت، در چارچوب مبانی اسلامی شکل گرفته و اصول اسلامی را جایگزین آن نموده است. مقام معظم رهبری گام اول را «پرهیجان‌تر و پرسروداتر از همه» و البته آسان‌ترین مرحله می‌داند که این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد. از دیدگاه رهبری، قدم بعدی، «ترتیب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی» است.

همان‌طور که فرزاد جهان‌بین، [۴] استاد دانشگاه و عضو مؤسسه پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا، می‌نویسد، تحلیل ما از آینده انقلاب اسلامی ایران در نسبت مستقیم

با تعریف ما از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و رابطه آن دو دارد. بر این اساس سه فرض را می توان مطرح کرد:

فرض اول: نظام جمهوری اسلامی متکفل تحقق اهداف انقلاب اسلامی است.

فرض دوم: انقلاب اسلامی تمام شده و یک نظام تأسیس شده است و لازم است مانند یک نظام سیاسی متعارف و نه انقلابی عمل کند. در این فرض گروهی هستند که بیان می کنند باید سیاستهای اعلامی، انقلابی باشد اما سیاستهای اعمالی، پراگماتیک و عمل گرایانه باشد.

فرض سوم: گروهی نیز معتقدند که حتی شعارها نیز نباید انقلابی باشد و این شعارها موجب به مخاطره افتادن نظم جهانی می گردد.

همان طور که از بیانات مقام معظم رهبری بر می آید، جز با نگاه اول، ارتباط بین حلقه انقلاب اسلامی و حلقات بعدی، بی معنا می گردد. بی شک انقلاب اسلامی دستاوردهای خرد و کلانی را داشته است که از جمله مهم ترین و شاید مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی، تأسیس نظام جمهوری اسلامی است و مهم ترین رسالت جمهوری اسلامی نیز بازتولید اهداف انقلاب اسلامی است. نگاهی به اصول قانون اساسی به وضوح حاکی از این امر است. [۵]

در مرحله ایجاد انقلاب اسلامی تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام دین اسلام ضروری می گردد تا با اجرای قوانین و احکام اجتماعی اسلام در جامعه علاوه بر نظم دادن به امورات جاری مردم، جهت گیری جامعه را نیز به سمت کمال و تقرب الهی رهنمون سازد.

مقام معظم رهبری با اشاره به اهمیت تشکیل حکومت می فرمایند: «در فضای نظام غیردینی، انسان اگر خیلی هنر کند، فقط می تواند به وظایف فردی خود عمل کند، که آن وظایف فردی دینی هم در آن شرایط تأثیر لازم را نمی گذارد؛ یعنی آن تعالی و نورانیت لازم را به وجود نمی آورد؛ بخش مهمی از آن هدر می رود - طبیعی است که فضای محیط بر انسان، با محتویات ذهن انسان اصطکاکی دارد - و بخشی از آن اثر می کند. این حداکثر چیزی است که در نظامی که دین حاکمیت ندارد و مجاری امور در دست دین خدا و قانون الهی نیست، گیر انسان می آید.» [۶]

به همین جهت است که مقام معظم رهبری دین را «ستون فقرات انقلاب اسلامی» [۷] می‌داند؛ لذا افتخار انقلاب اسلامی را در این می‌دانند که ارزش‌های اسلامی، توحید، احکام الهی و ارزش معنویت اسلام را، دارد به دنیا معرفی می‌کند. [۸] در واقع، با برجستگی این نوع نگاه (برجستگی دین و پیوند سیاست و مذهب) است که مبحث شکل‌گیری تمدن اسلامی موضوع تأمل قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرمایند:

مرحوم سید قطب در یکی از نوشته‌هایش حرفی دارد که من از چهل سال قبل یا شاید بیشتر که این حرف را دیدم، دائماً در ذهن من هست. او می‌گوید اگر طرفداران و داعیان اسلام - مضمون حرف این است. حالا جزئیات حرف چون خیلی قدیم دیدم، یادم نیست - به جای نوشتن این همه کتاب، به جای این همه تبلیغات، به جای این همه سخنرانی، اداره‌ی این همه مسجد، یک کار برای ترویج اسلام بکنند، آن کار از همه‌ی این کارها تأثیرش بیش‌تر است. و آن این‌که در گوشه‌ای از دنیا به ذهنم است می‌گوید در یک جزیره‌ای دور افتاده‌ای، یک حکومت اسلامی تشکیل بدهند؛ نفس تشکیل یک حکومت اسلامی در گوشه‌ای از این دنیای بزرگ اثرش از هزاران کتاب، هزاران سخنرانی، هزاران مطلب نکته‌دار در ترویج دین، بیش‌تر است. سید قطب درست گفت. از هزاران کتاب، اثر این نظامی که بر اساس اسلام به وجود آمده بیش‌تر است. [۹]

۴-۲) استقرار نظام اسلامی

مرحله دوم از فرآیند تحقق آرمان‌های اسلامی در بستر انقلاب، استقرار نظام اسلامی است. مقام معظم رهبری تحقق این مرحله را به معنای اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه دانسته‌اند. در حقیقت با تدوین قانون اساسی انقلاب اسلامی که منشور اصلی و محوری جمهوری اسلامی است، ارکان جامعه اسلامی مهندسی شد، این قانون که تبلور ارزش‌های اسلامی است و منطبق با احکام اسلامی تدوین شده، به مثابه ستون فقرات نظام اسلامی است و مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام اسلامی تلقی می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح این مرحله، یعنی استقرار نظام اسلامی، می‌فرمایند: «انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن، مثل این‌که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی، فردی، مورثی و اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن

نظام دینی، تقوایی، مردمی و گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند، یعنی نظام اسلامی».[۱۰]

در بیاناتی دیگر نظام اسلامی را این‌گونه بیان می‌کنند: «نظام اسلامی یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، ملت و صاحبان انقلاب که مردم هستند، آن را انتخاب می‌کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند؛ جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن مردم سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی همراه است».[۱۱] و در ادامه می‌فرمایند:

«نظام اسلامی یعنی ترتیب اداره کشور، همان‌گونه که اسلام گفته است، قانون اساسی تنظیم شده، آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد، مردم سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسئولان کشور را، از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسئولان، مستقیم یا غیر مستقیم انتخاب می‌کنند، دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است، حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان‌های دینی است، این معنای نظام اسلامی است».[۱۲]

در بیان دیگری، ایشان از هندسه عمومی جامعه اسلامی به عنوان نظام اسلامی تعبیر کرده‌اند و در تکمیل مطالب فوق در جایی دیگر نظام اسلامی را معادل «منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور و پایه‌گذاری اصولی ارکان حکومت یعنی قوه مجریه، قوه مقننه، رهبری، قوه قضائیه و دیگر ارکان و تثبیت آن‌ها از طریق قانون اساسی».[۱۳] دانسته‌اند.

بنابراین در مرحله نظام اسلامی که از ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ آغاز و تا ۱۳ آذر ۱۳۵۸ ادامه می‌یابد شاکله کلی و هندسه عمومی جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد. در این صورت بندی عمومی، یک سری ارکان غیر قابل تغییر و یک سری اجزای قابل تغییر وجود دارد که می‌تواند در گذر زمان مورد تغییر و بازنگری قرار گیرد.

ارکان غیر قابل تغییر در اصل ۱۷۶ مورد اشاره قرار گرفتند تغییر در آن‌ها به معنای تغییر در جمهوری اسلامی است. غیر از این، هندسه عمومی به این معناست که قانون اساسی به اجمال است و اجزای آن نیازمند تفصیل می‌باشد. به عنوان نمونه در اصل چهار اشاره شده است که همه قوانین می‌باید ابتدای بر اسلام داشته باشد. در اصل نود و شش، از

شورای نگهبان خواسته شده که عدم تغییر مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع مقدس و قانون اساسی را بسنجد. پر واضح است که عدم تغییر با ابتننا دو چیز است. عدم تغییر، کف و ابتننا سقف می باشد. مرحله ابتننا در قانون اساسی، نیازمند نظریه پردازی است و این همان حلقه اتصال مرحله دولت اسلامی با مرحله نظام اسلامی است. [۱۴]

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: «این معنای نظام اسلامی است؛ این تحقق پیدا کرد؛ لیکن کافی نیست». [۱۵] بر این اساس:

هرچند مرحله نظام اسلامی به عنوان شکل گیری هندسه کلی جمهوری اسلامی پایان یافته اما نظام سازی کماکان ادامه خواهد داشت؛

مرحله استقرار نظام اسلام تحقق پیدا کرده و ما به مرحله ایجاد دولت اسلامی گام گذاشته ایم.

۴-۳) ایجاد دولت اسلامی

مقام معظم رهبری با اشاره به محقق شدن دو گام اول یعنی بروز انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی، «ایجاد دولت اسلامی» را سومین گام از فرآیند اهداف اسلامی معرفی می کنند، اما اقدامات صورت گرفته در این مرحله را ناکافی دانسته و معتقدند که به علل مختلف، هنوز دولت اسلامی به معنای واقعی آن تحقق نیافته است و شاید به همین دلیل بیشتر رهنمودهای ایشان بر این مسئله یعنی ضرورت پرداختن به ایجاد دولت اسلامی به معنای واقعی آن متمرکز بوده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این مرحله، «خودسازی مسئولین» را شرط اصلی و اساسی برای شکل گیری دولت سازی اسلامی دانسته و بخش عمده توجه خود را معطوف رفتار و عملکرد دولتمردان و سایر کارگزاران نظام می نمایند و مؤکداً این موضوع را مقدمه نهادسازی و ایجاد ساز و کارهای لازم برای شکل گرفتن جامعه اسلامی معرفی کرده اند و لذا در تعریف دولت اسلامی، ویژگی ها و شرایط خاصی را بر آن مترتب می دانند.

مقام معظم رهبری درباره معنای دولت اسلامی می فرماید:

دولت اسلامی یعنی تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه

اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پوینده‌یی که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار نکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد. [۱۷]

معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. [۱۸]

ایشان در تشریح وضعیت فعلی دولت اسلامی می‌فرمایند؛ «امروزه دولت ما، یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است، سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی دارد، اما کافی نیست، اولش خود من، باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم». [۱۹] و در جایی دیگر اضافه می‌کنند؛ «دولت اسلامی دولتی است که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند». [۲۰]

آیت الله خامنه‌ای با اشاره به نقش مهم مسئولین در تحقق دولت اسلامی می‌فرمایند؛ رسیدن به آن هدفها، مردان خودش را می‌خواهد. یعنی کسان و عناصر و کارگزاران خودش را می‌خواهد. به قول شاعر، آن دو صد من استخوان را داشته باشند، تا بتوانند این صد من بار را بردارند. [۲۱]

تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند می‌طلبد؛ این می‌شود دولت اسلامی. [۲۲]

این نظام فقط شکل نیست، محتوایی دارد، یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم صورت بگیرد، تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را که دارای صفات و خصوصیات لازم باشد می‌طلبد، این می‌شود دولت اسلامی، دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلام است، نه فقط قوه مجریه، یعنی حکومت-گران و خدمتگزاران عمومی، اینها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند، بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند. [۲۳]

اگر ما خود را اصلاح کنیم، جامعه اصلاح شده است. ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. [۲۴]

همه‌ی ما انسان‌های ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه‌ی کارگزاران حکومت را که خودمان هم جزو آنها هستیم به نقطه‌ی برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم. [۲۵]

البته ایشان علاوه بر تاکیدهای مکرر در مورد ضرورت خودسازی مسئولین برای ایجاد دولت اسلامی، به سایر ابعاد دولت‌سازی اسلامی یعنی اجزا و ارکان دولت و همچنین نظامات اداری نیز اشاره نموده و ضرورت نهاد‌سازی و ایجاد ساز و کار دولت‌سازی را اینگونه متذکر می‌شوند؛ «منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی بوجود آمد، یک قانون اساسی درست شد، نهادها و بنیانهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد، این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی دولت اسلامی است، در اینجا منظور از دولت فقط قوه مجریه نیست، یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره یک کشور را بر عهده دارند، نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور» [۲۶] و در تکمیل نکات قبلی در دیداری دیگر اضافه می‌کنند که؛ «دولت اسلامی یعنی ساز و کارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی». [۲۷]

همانگونه که قبلاً اشاره شد، از آنجا که انقلاب اسلامی هم اکنون در این مرحله، یعنی مرحله دولت‌سازی اسلامی قرار دارد، لذا بیشتر رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای بر بیان اهمیت ضرورت، ویژگی‌ها و چگونگی اجرای این گام متمرکز بوده است، بر این اساس از مجموعه رهنمودهای رهبری چنین استنباط می‌شود که:

دولت فقط محدود به قوه مجریه نمی‌شود، بلکه همه قوای سه‌گانه و سایر نهادهای حکومت اسلامی نیز مخاطب دولت اسلامی هستند، اما نکته مهم‌تر این است که ارکان و اجزای مورد اشاره با وجود مسئولین آن‌ها هویت پیدا می‌کند، بنابراین مفهوم دولت اسلامی را باید ابتدا در رفتار و عملکرد مسئولین نظام جستجو کرد و سپس سایر ابعاد آن از جمله نهاد‌سازی، نظامات اداری و سایر الزامات را مورد توجه قرار داد. بنابراین معنای واقعی دولت اسلامی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی در مرتبه اول، دولتی است که مسئولین آن از حداکثر معیارها و شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری یک مسلمان واقعی برخوردار باشند.

دولت اسلامی‌یی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است. [۲۸]

باید به سمت زندگی علوی(ع) برویم. باید روح زندگی علوی(ع) یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. [۲۹]

قوای مقننه و قضائیه و مجریه و مسؤولان گوناگون ما باید بتوانند تا حدّ قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. [۳۰]

مقام معظم رهبری دربارهٔ چگونگی دستیابی و تحقق دولت اسلامی معتقدند که:

چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید؛

برای این که آن مقصود یعنی کشور اسلامی به طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکم‌ه‌ی کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند.

رهبر انقلاب گویا در بیانیه گام دوم دو بار سنگینی را هم همزمان بر دوش جوان مؤمن انقلابی قرار می‌دهد. برای جامعه‌سازی نیاز به انتقال میان نسلی به سمت پنجره جوان کشور است و در بُعد دولت‌سازی نیز نیازمند نیروسازی هستیم و بهترین بستر برای نیروسازی، قشر جوان است. به عبارتی بیانیه گام دوم را می‌توان در اعلام جهاد رهبری خطاب به جوانان برای دولت‌سازی و جامعه‌سازی برشمرد.

۴-۳-۱) دولت‌سازی و جامعه‌سازی در ۷ بعد

واپسین بخش بیانیه گام دوم به هفت حوزه مهم موضوعی که انقلاب برای پیشروی باید به آن‌ها اهتمام ورزد مورد اشاره قرار گرفته است. استخراج عبارات کلیدی این هفت محور نشان می‌دهد به صورت کلی در همه این محورها مخاطب اصلی چه در حوزه دولت‌سازی و چه در بُعد اجتماعی، جوانان هستند. بررسی عبارات مهم این بندها به روشنی بیشتر موضوع کمک می‌کند:

۴-۳-۱-۱) علم و پژوهش

نخستین موضوع مورد اشاره رهبر انقلاب در میان مطالبات سبعه‌شان؛ تمرکز بر ضرورت افزایش شتاب در حوزه علم و پژوهش است. ایشان قبلاً نیز به حسب روایت شریفه «العلم سلطان» تبیین نموده‌اند که علم را به مثابه ابزار اساسی قدرت یک کشور می‌دانند و طبعاً آنگاه که نقشه راه کامیابی ملت در گام دوم را ترسیم می‌کنند به علم به عنوان نخستین درجه اهمیت بنگرند.

در بُعد دولت‌سازی؛ وظیفه کلان دستگاه اجرایی حمایت از علم و پژوهش و شتاب دهی به آن است:

«ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود» و در بعد جامعه‌سازی خطاب اصلی رهبر انقلاب با جوانان دانشگاهی و پژوهشگر است: «جامعه: اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.»

۴-۳-۱-۲) اخلاق و معنویت

نیاز مهم انقلاب در حال حاضر، گسترش اخلاق انقلابی و معنویت است، چراکه تغییر در رفتار و پیشرفت به سمت الگوی رفتاری متعالی مستلزم توأم‌سازی معنویت با ساختار دولتی و رفتار اجتماعی است. از همین رو رهبر انقلاب گرچه حاکمیت را موظف به رواج اخلاق در جامعه برمی‌شمرند: «دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد، در دوره پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.» مهم‌ترین شیوه اصلاحی نیز از نگاه ایشان دعوت عملی و به عبارتی اصلاح اخلاق و بهبود معنویت خود حاکمان است: «اخلاق و معنویت، با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی

در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند». اما در عین حال ایشان وظیفه تعمیم و تسری اخلاق و معنویت را محدود به حاکمیت نمی‌سازند و با به‌کارگیری عبارت: «البته [وظایف حکومت] به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست» دوباره چراغ سبزی به جوانان برای برپا ساختن اخلاق و معنویت با بسترهای متناسبی، چون تبلیغ فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهند.

۴-۳-۱-۳ اقتصاد

اقتصاد گرچه به لحاظ اولویت زمانی در شرایط کنونی به فرموده رهبری مقدم بر همه امور است؛ لکن در نگرش کلان و اعمال ترتیب پس از علم و اخلاق در مرتبه سوم اهمیت در ساخت دولت و جامعه اسلامی قرار می‌گیرد. همچون محورهای پیش، این مأموریت نیز قابل تفکیک به دو حوزه حاکمیت و مردم است. در بعد حاکمیتی، الزام به پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان رویکرد رهبر انقلاب در چله دوم انقلاب در نظر گرفته شده است:

«راه‌حل این مشکلات اقتصادی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود.» نقش کلیدی جوانان نیز به عنوان تحقق بخش اصلی گام دوم در حوزه اقتصادی، از سوی رهبری اینگونه توصیف شده است: «یک مجموعه جوان، دانا، مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.»

۴-۳-۱-۴ عدالت و مبارزه با فساد

متأسفانه به‌رغم اینکه انقلاب اسلامی در طول چهار دهه پس از پیروزی خود توانست تلاش‌های زیادی برای جبران شکاف طبقاتی برجسته‌ای که در دوران طاغوت میان اغنیا و فقرا ایجاد شده بود، نماید، اما با شکل‌گیری طبقه‌ای نوکیسه که گاه از آن‌ها با تعبیر آقایان و آقازادگان یا ژن‌های خوب یاد می‌شود و در واقع مشتمل بر کارگزارانی از انقلاب هستند که منافع شخصی و خانوادگی را بر اهداف و آرمان‌های انقلاب رجحان داده‌اند؛ احساس

بی‌عدالتی و ادراک فساد در میان مردم مجدداً شکل گرفته است. طبیعتاً دولت اسلامی و انقلابی به عنوان یک رکن مهم گام دوم انقلاب اسلامی وظیفه‌ای کلیدی در زدودن این احساس از اذهان دارد: «دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند.

این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر و منیع‌الطبع با دست‌انگیزی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.» البته رهبر انقلاب در همین بند به نحوی امید خود را از دولتمردان و مدیرانی که در طول این چهار دهه بر مسند قدرت نشسته و روحیه محافظه‌کار پیدا کرده‌اند سلب می‌کند و مجدداً بر نقش اجتماعی جوانان بر اصلاح ساختارها و گرفتن زمام امور به دست خویش برای مبارزه انقلابی با فساد تأکید می‌نماید: «این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته آن چشم امید به شما جوان‌هاست و اگر زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد.»

۴-۳-۱-۵) استقلال و آزادی

همان شعارهای کلیدی و محوری حرکت انقلاب اسلامی هستند که پس از چهار دهه همچنان به عنوان مطالبه‌ای زنده و پویا مطرح می‌شوند. در این گزاره نیز دوگانه جامعه-دولت توأمان موظف به تلاش برای استقرار این دو آرمان معرفی می‌شوند. از یکسو «حکومت‌ها موظف به تأمین این دو هستند و از سوی دیگر همه موظف به حراست از این دو با همه وجودند.»

۴-۳-۱-۶) عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن

رهبر انقلاب در بند ششم اساسنامه گام دوم مرز هویتی انقلاب را با فضای پیرامونی آن به روشنی ترسیم می‌نماید. سه‌گانه عزت حکمت و مصلحت همواره مورد تأکید ایشان در موضوع سیاست خارجی بوده و این مسئله به عنوان یکی از ویژگی‌های دولت انقلابی در چله دوم انقلاب مجدداً مطرح شده است: «دولت جمهوری اسلامی باید از ارزش‌های انقلابی

و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد و در همه‌حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند.»

در این بیانیه حتی خط قرمز شفاف برای دولت‌ها در سال‌های آینده ترسیم شده است که با وجود تذکرات شفاهی، اما پیشتر در اسناد مدون و سیاست‌های کلان دیپلماسی جمهوری اسلامی اینقدر شفاف بیان نشده بود: «در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.»

در بعد اجتماع‌سازی رهبر انقلاب به مؤلفه عدم‌اعتماد ملی و حس انزجار عمومی از خیانت‌های آمریکا و غرب تأکید شده است: «امروز ملت ایران علاوه بر امریکای جنایتکار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند.» احساسی که باید در طول سال‌های آتی بیشتر تقویت شود تا عبرت‌های پیشین از اعتماد به غرب مانع از غفلت‌های خسارت‌بار برای جامعه شوند.

۴-۳-۱) سبک زندگی

آخرین بند بیانیه مهم رهبر انقلاب به محور سبک زندگی اختصاص دارد که ایشان صرفاً جوان‌ها را مخاطب این بخش قرار می‌دهند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.»

در این بخش آخر گویی رهبر انقلاب از دولت و نقش دولت تغافل می‌نمایند و وزن اصلی فرهنگ‌سازی و ترویج سبک زندگی انقلابی را به حرکات آتش به اختیار جوانان و سخن با دولت را به وعده دیگری می‌سپارند: «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم.»

۴-۴) ایجاد کشور یا جامعه اسلامی

پس از شکل‌گیری دولت اسلامی، ثمره این دولت، تالو و تشعشع نظام اسلامی خواهد بود. بدین معنا که کارویژه اصلی دولت اسلامی، «ایجاد کشور اسلامی» می‌باشد که خود مرحله چهارم فرآیند تحقق انقلاب اسلامی به شمار می‌رود: «اگر دولت به معنای واقعی

کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه کن می‌شود، عزت حقیقی برای مردم بوجود می‌آید، جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند، این می‌شود کشور اسلامی». [۳۱]

با تعبیر دیگر ایشان در بیان مفهوم جامعه اسلامی می‌فرمایند؛ «جامعه اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند، جامعه عادل برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و میرا از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه، پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی و بالأخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم، این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم، البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا می‌کند». [۳۲]

و این مفهوم را اینگونه مورد تأکید قرار می‌دهند؛ «همان جامعه اسلامی‌ای که من در کرمانشاه تصویر و تشریح کردم؛ آن عدالت، آن مردم سالاری به معنای واقعی کلمه، آن کرامت انسانی، آن آزادی اسلامی، با پیشرفت، با قدم‌های استوار ما، با خسته نشدن ما، با حفظ نور امید در دل‌های ما، به توفیق الهی به دست همین جوانان تحقق پیدا خواهد کرد». [۳۳] البته مقام معظم رهبری تحقق این هدف را مشروط به عوامل دیگری دانسته و چنین بیان می‌دارند؛ «اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت [خودسازی] خود را کامل کنیم و قدم‌هایی را که بحمدالله تا امروز برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتیم، به وجود خواهد آمد». [۳۳]

در تعریف رهبری، کلید واژه‌های جامعه یا کشور اسلامی عبارتند از: عدالت، پیشرفت، پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی، رفاه، مردم سالاری، کرامت انسانی، عزت حقیقی، عزت ملی و استغنا ملی، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگ، جامعه عادل، جامعه آزاد، جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف، بدون تبعیض، میرا از فقر و در حال پیشروی دائم و سایر واژه‌های مشابه دیگری که شالوده و درون مایه یک جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد.

۴-۵) شکل گیری تمدن اسلامی

بر طبق دیدگاه مقام معظم رهبری اگر توانستیم مرحلهٔ ایجاد کشور اسلامی را به سلامت طی کنیم، آن‌گاه مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است. به این ترتیب مرحله نهایی انقلاب و در حقیقت تحقق آرمانی‌ترین شعار انقلاب، «ایجاد دنیای اسلام» و دستیابی به تمدن عظیم اسلامی خواهد بود:

«از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی [تمدن اسلامی] درست کرد، الگو که درست شد، نظایرش در دنیا درست خواهد شد.» [۳۴] البته ایشان یادآوری می‌کنند که؛ «نمی‌شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم، اما دنیا را اصلاح کرده باشیم» [۳۵] اما مجدداً این نکته را یادآوری می‌کنند که «وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد، آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت، اینها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است، تقوای فردی و تقوای جماعت و امت» [۳۶]

و این مهم همان نکته‌ای است ایشان از آن به عنوان هدف نهایی نام می‌برند و می‌افزایند؛ «جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد، یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تخلق به اخلاق‌الله پیدا می‌کند، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهایی آن است، خُب وقتی یک چنین جامعه‌ای بوجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم بوجود خواهد آمد» [۳۷]

نتیجه گیری

مقام معظم رهبری در تشکیل دنیای (امت، تمدن) اسلامی رعایت نکات زیر را ضروری می داند: **رعایت تقوا**: از مهم ترین توصیه های رهبری در تشکیل تمدن اسلامی رعایت تقوا است. ایشان می گویند: «چرا ما عقب ماندیم؟ چون تقوا را از دست دادیم، این همان شدت هایی است که با تقوا برطرف می شود». و یا می فرمایند:

«امروز عزت و اقتدار و عظمت ملت ایران در چشم مردم دنیا و دولتها و حتی دشمنانش با اکثر کشورهای اسلامی قابل مقایسه نیست؛ این به خاطر تقواست. هر چه کمبود داریم، به خاطر بی تقوایی است.» [۳۸]

خودسازی: «ببینید؛ فرآیند تحقق نظام اسلامی، همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می شود. نمی شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود پردازیم.» [۳۹]

استقامت و پایداری: «پس یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهت گیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از این که به ما بگویند خطا کرده اید، بدمان نیاید.» [۴۰]

منابع:

- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.
- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲. jahanbein.ir.
- جهان‌بین، فرزاد، دیدگاه حداقلی به اسلام.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
- بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم؛ ۱۳۸۹/۰۷/۲۷.
- بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن و تشیع؛ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵.
- بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان؛ ۱۳۸۸/۰۲/۲۳.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۰۹/۲۱.
- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.
- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- جهان‌بین، فرزاد، مسائلی برای تأمل در حلقهات پنج‌گانه از انقلاب اسلامی تا تمدن نوین اسلامی.
- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۰۹/۲۱.
- بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- همان. بیانات در دیدار مسئولان نظام؛ ۱۳۸۳/۸/۰۶.
- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸. همان.
- بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
- بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴. همان.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
- بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

- بیانات در اجتماع مردم کنگاور؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۷.
- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
- بیانات در جمع کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه؛ ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.
- بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در جمع کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۰/۰۹/۲۱. همان



Semantic reconstruction of the Islamic society in the mind of the Supreme Leader of Iran (Ayatollah Khamenei)

Ruhollah Rouhani

Abstract:

Using the constructivist and interpretive approach and methodology of the data theory, the present article reconstructs the semantic reconstruction of the Islamic society based on the statements of the Supreme Leader of Iran (Ayatollah Khamenei). If man is a creature, he is creative and meaningful, so social realities such as Islamic society are always emerging. Islamic society is one of the important socio-political issues of the Supreme Leader's speech. Despite the many debates and discussions that have taken place between academic theorists, administrators and leaders, this concept and its examples have not yet been presented in the form of a scientific model and theoretical (analytical) model based on the statements of the Supreme Leader. However, about three decades have passed since the emergence of the Islamic Revolution. In order to fill the scientific gap in the country and to follow the example of the Supreme Leader, the article examines the ideas of that figure in the field of Islamic society